

اِس وِملک زِ بَحرِ رضا کُریه می‌کُشد / کُوه می که داغ جدایی دوا کند؟

گروه اندیشه – مشهد، به اعتبار تو مشهد است، ای غریب الغربا. هزار و ۲۰۰ سال از آن فاجعه بزرگ می‌گذرد، اما گویا در در فراق را پایانی نیست. دلدادگان تو از شرق و غرب عالم، در این ایام خود را به مشهد می‌رسانند تا غربت تو را مویه کنند و یادِ کارِ یا رضا(ع)، «سنگ سر اچه دل را به الماس آب دیده» بشویند. ای مهربان امایی که زیارت حج فقر است و دعا در حُرْمَت، مستجاب؛ غربت تو را با کدام واژگان می‌توان توصیف

کرد؟ مشهد این روزها، کربلایی است؛ بیرون از شمارند زائرانی که به عشق زیارت تو، پای پیاده به جاده زده‌اند؛ شهر تو، میزبان کبوترانی است که خسته‌بال و در آرزوی جان‌پناه و مأمنی، به شوق دیدن گنبد طلایی ات، خود را به دروازه شهر تو، مشهدالرضا(ع) رسانده‌اند. حُرْمَت این روزها، میعادگاه عاشقانی است که روحشان با یاد تو تازه می‌شود و فرصت رسیدن به مقام بندگی خدا را در صحن و سرای تو جست‌وجو می‌کنند. ای امام رؤف،

امشب یادآور آن غربت جانکاه است؛ یادآور در انتظار جوادالائمه(ع) ماندن، یادآور عبا بر سر کشیدن، یادآور آن دقایق آخر، دقایق عروج به سوی رفیق اعلی. کیست که به یاد بیاورد آن لحظات غم‌فرا را، لحظاتی که زهر جفا بدن مطهرت را بی‌رمق کرد تو، ای امام مهربان من، سر بر سینه فرزندت، به دیدار معبود شتافتی. آخرین روز ماه صفر، یادآور غمبارترین روز تاریخ مشهدالرضاست و ما، به شوق فریت، مهمان غریب توس هستیم.

شیوه رسیدن به مقام بندگی در سیره عملی ثامن الحجج(ع)

در گفت‌وگو با دکتر محمود مهدوی دامغانی، استاد دانشگاه و مترجم نام‌آشنا، به بررسی شاخص‌های معنوی و اجتماعی سیره امام هشتم(ع) پرداخته‌ایم

جواد نوائیان رودسری—ایام شهادت حضرت ثامن الحجج(ع)، فرصتی است برای بازخوانی سیره نورانی آن حضرت و مجالی است برای آگاهانه عشق ورزیدن به آن وجود مقدس. برای ما که مفتخر به همسایگی و مجاورت مضجع شریف رضوی هستیم، دانستن در این باره، از واجب واجبات و ضرورتی غیرقابل انکار است. به همین دلیل، در آستانه سالروز شهادت ولی نعمت‌مان، پیشوای هشتم، امام رؤف، حضرت علی بن موسی الرضا المرتضی(ع)، به سراغ استاد ارجمند و مترجم توانا، دکتر محمود مهدوی دامغانی رفتم تا از او درباره برخی ویژگی‌های سیره اجتماعی ثامن الحجج(ع) بپرسم و بیشتر بدانم. استاد اما، دایره بحث را گسترده از نفوذ معنوی امام رؤف(ع) در میان عموم مردم، طی ۱۲ قرن گذشته تا مژده ولادت آن حضرت از سوی جد بزرگوارش، امام صادق(ع) و تلاش ثامن الحجج(ع) برای رسیدن به مقام بندگی خدا، از طریق تکریم‌بندگان او و جلوه‌های این نگاه، در سیره اجتماعی امام رضا(ع) سخن گفت. بیاناتی شیوار و سا که حیف آمد با درج سوالاتم، پیوستگی و زیبایی آن را خدشه‌دار و بیان استوار استاد را با عریض ناقص خویش قطع کنم. آن چه در پی می‌آید، مشروح این گفت‌وگوست.

■ پیشینه طولانی یک عرض‌از ادت

ایام، ایام شهادت غم‌افزای ولی نعمت ما، حضرت ثامن الحجج، علی بن موسی الرضا(ع) است؛ اجازه می‌خواهم سخنم را با دو بیت از شاعر گران قدر ایران زمین، یعنی سنایی غزنوی آغاز کنم. او نخستین کسی است که جرئت یافت به زبان فارسی، قصیده‌ای شیوا و مفصل و ابیاتی پرانگنده در مدح حضرت رضا(ع) بسراید. سنایی می‌گوید: «جهان پُر در دمی بینیم، دوا کو؟ / دل خویبان عالم را وفا کو؟ / سر اسر جمله عالم پُر امام است / امای چون علی موسی الرضا(ع) کو؟» سنایی در دوره‌ای می‌زیست که در آن بازار تعصب و سخت‌گیری علیه شیعیان داغ بود؛ این است که می‌گوییم او جرئت کرد و این کار را به انجام رساند. وی به این میزان هم اکتفا نکرد و ارادت خود به ثامن الحجج(ع) را در قالب قصیده‌ای ۳۸ بیتی که ترجمه‌ای است از قصیده عربی «محمد ضبی» به شکلی بسیار شیوا و سا سرود. محمد ضبی، این قصیده را در سده سوم هجری قمری به فاصله‌ای نسبتاً اندک، بعد از شهادت امام رضا(ع) ساخته است. سنایی می‌سراید: «دین را آخر می‌است در خراسان / دشوار تو را به محشر آسان / از معجزه‌های شرع احمد / از حجت‌های دین یزدان / همواره ه‌ش مسیر حاجت / پیوسته

درباره کتاب ارجمند «عیون اخبار الرضا(ع)»

نخستین تک‌نگاری جامع روایی درباره ثامن الحجج(ع)

عیون اخبار الرضا(ع)، یکی از مشهورترین و بهترین تک‌نگاری‌های روایی درباره ثامن الحجج(ع) است. این کتاب، توسط جناب شیخ صدوق،

احتمالاً بعد از سال ۳۶۶ق/ ۳۵۵ش، یعنی حدود ۱۰۴۶ سال قبل تألیف شد و در برگرفته احادیث و روایات نقل شده از امام هشتم(ع) است. در این اثر ارجمند، مشهورترین احادیث رضوی گردآوری شده و یادکرشند، در اختیار خواننده قرار گرفته است. برخی از این روایات، مانند احادیث مربوط به مناظرات امام رضا(ع) با پیروان دیگر مذاهب و ادیان، به ویژه بخش‌هایی که مربوط به مباحث اعتقادی، مانند توحید است، در دیگر آثار شیخ صدوق، مانند کتاب ارجمند «التوحید» نیز نقل شده. جامعیت عیون اخبار الرضا(ع) به گونه‌ای است که خواننده با مرور و مطالعه آن، گویی در محضر ثامن الحجج(ع) حضور دارد و در ابواب گوناگون علمی، از آن حضرت کسب فیض می‌کند. با توجه به

■ سبب نگارش کتاب

خوشبختانه درباره دلیل نگارش کتاب شریف «عیون اخبار الرضا(ع)»، اطلاعات خوبی در اختیار داریم. مؤلف ارجمند کتاب در ابتدای آن، به نقش صاحب بن عبّاد، وزیر دانشمند و شیعی مذهب حکومت آل بویه اشاره کرده است. صاحب بن عبّاد، در خانواده‌ای اهل فضل، ظاهر ادر منطقه طالقان دیلمان، دیده‌به‌جهان گشود. او در علوم گوناگون، به ویژه فن کتّاب و ادبیات عرب، از سرآمدان روزگار خود بود. صاحب، چنان که گفتیم، مذهب شیعه داشت و از همین رو، دانشمندان و علمای شیعی مذهب، از حمایت و همراهی وی برخوردار بودند. او ضمن قصیده‌ای بلند، امام رضا(ع) امدح گفته است و شیخ صدوق، در کتاب خود، فرا‌هایی از قصیده بسیار زیبایی او را نقل



رضا(ع) مورد توجه قرار گیرد، سیمای نورانی آن حضرت در سیره اجتماعی است؛ دنیا‌سخت به آن حضرت رو آورد؛ به هر حال پذیرش ولایتعهدی، زمینه‌ساز رقم خوردن حصول اموال بسیار و کسب موقعیت به چشم‌حاضران نیامد اما اکنون در پی گذر قرن‌ها، می‌توانیم تحقق آن را به شکلی کامل و دقیق، درک کنیم. امام صادق(ع) می‌فرماید که این فرزند من، خاموش‌کننده فتنه‌های بسیاری است و مگر نه این است که با حرکت اجباری امام رضا(ع) از مدینه به مرو



و قبول ولایتعهدی از سوی ایشان، بسیاری از نزاع‌ها و درگیری‌ها که برای سرکوب قیام‌های علویان و مهار آن‌ها وجود داشت، رفع شد و مردم را از آسیب و تنش، آسوده کرد. با آغاز ولایتعهدی ثامن الحجج(ع)، حجاز که به دلیل قیام محمد بن جعفر صادق(ع)، عموی امام رضا(ع)، درگیر جدال با عباسیان بود، روی آرامش را دید و همچنین است اتفاقاتی مانند آن چه در بصره و یمن به وقوع پیوسته بود. حقیقت آن است که وجود مقدس امام(ع)، بدون آن که دشمنان آن حضرت و طراحان ماجرای ولایتعهدی بخوانند، اسباب آرامش امت را ایجاد و او به مثابه فریادرس مسلمانان، زمینه نجات آن‌ها از فشار و تیزروزی را فراهم کرد.

■ اصل بندگی خداست

نکته دیگری که باید در بررسی سیره امام

ساله حضور امام رضا(ع) در مرو بیندازیم، می‌توانیم به وفور چنین صحنه‌هایی را مشاهده کنیم. در روزگاری که بزرگان و اشرای حکومتی، ضعف را به هیچ می‌گرفتند، ثامن الحجج(ع) بر سر سفره غذا، منتظر آمدن مهتر چارپایان (کسی که از حیوانات مراقبت می‌کند) خود می‌ماند؛ دست به غذا نمی‌زد تا فاصد، یعنی کسی که شغل وی حجامت کردن دیگران بود، بر سفره حاضر شود. برخی این همه مهربانی و همدلی با طبقات فرو دست را برای امام رضا(ع)، خاصه در جایگاه ولایتعهدی، مناسب نمی‌دانستند اما آن حضرت، بدون کمترین تردیدی در حسن انجام این کار، همواره می‌فرمود: باید بکوشیم که عبودیت خود را در پیشگاه خدا ثابت کنیم[و بزرگی را از این طریق بجویم.]

■ یک روایت ظرفی و فواید

کتاب «عیون اخبار الرضا(ع)»، از آثار بسیار ارجمند شیخ صدوق است که آن را در نیمه اول قرن چهارم هجری قمری به رشته تحریر آورده است. سطر به سطر این کتاب که در نوع خودش بی‌نظیر و نخستین نمونه است، در برگرفته این سیره بزرگوارانه و این مشی انسانی است؛ به راستی که این سیره نورانی و تلاش آن حضرت برای رسیدن به مقام بندگی پرور دگار، چنان است که بی‌اختیار این شعر زیبای سعدی را به خاطر می‌آورد: «به پای خویش بیایند عاشقان به کمندت / که هر که را تو بگیری، ز خویشان برهانی». امام(ع) چنان در حق زیردستان مهربان بود که رفتار و برخوردش با آن‌ها، شگفتی اطرافیان را برمی‌انگیخت. نقل است که هنگام حضور در مرو، روزی ارجمند «سلسلة الذهب» پر داشتند اما او چنان بُریده از دنیا بود که به‌ظواهر آن کمترین توجهی نداشت و غریبانه و در تنهایی به شهادت رسید و به دیدار معبود شتافت. تا جایی که این حقیر، با همه اندک بضاعت در اطلاعات تاریخی، که به دلیل قیام محمد بن جعفر صادق(ع)، تاریخ سراغ گرفت که این گونه دنیا به او رو آورده و آن شخص، با بی‌اعتنایی تمام از کنار آن گذشته باشد و توجهی به زخارف دنیوی نکند. امام(ع) در برخورد با مردم نیز، همواره مهربان و از تکبر گریزان بود. رجاء بن ابی ضحاک که هنگام سفر امام رضا(ع) از مدینه به مرو، ایشان را همراهی می‌کرد، در گزارش خود به مأمون، به تفصیل در این باره توضیحاتی ارائه می‌کند و از مهربانی امام(ع) با مردمان عادی، به ویژه طبقه فرو دست جامعه، حکایت‌ها با گو می‌کند. اگر نگاهی به تاریخ کوتاه دو سه

می‌کند؛ قصیده‌ای با مطلع «یا سائر ائثر الی طوس مشهد طهر وارض تقدیس / ابلیغ سلامی الرضا و حط علی اکرم مس لخیبر موس» (عیون اخبار الرضا(ع)، جلد ۲، ص ۱۳—چاپ موسسه الاعلمي للمطبوعات بیروت)؛ ای زائر که به زیارت توس، مکان پاک و سرزمین مقدس رهسپاری / سلام مرا بفرما(ع) و برسان و نزد بهترین مزار که صاحب آن بهترین در گذشتگان است، فرود آی. وقتی این قصیده زیبا به دست جناب صدوق رسید، تصمیم گرفت کتابی روایی با محوریت احادیث نقل شده درباره امام رضا(ع) به رشته تحریر درآورد و آن را به صاحب بن عبّاد تقدیم کند و این چنین بود که «عیون اخبار الرضا(ع)» نوشته شد و در دسترس علاقه‌مندان و دوستداران ثامن الحجج(ع) قرار گرفت.

■ ویژگی‌های منحصربه‌فرد

هر چند کتاب شیخ صدوق درباره روایات ثامن الحجج(ع)، ارزشی زاید الوصف در حوزه دانش حدیث دارد، اما معارفی که می‌توان از این کتاب ارجمند به دست آورد، محدود به روایات نیست. مؤلف سلیقه به خرج داده و در کنار روایات جمع‌آوری شده با موضوعات گوناگون، به برخی حواشی مهم

اندیشه(ویژه شهادت امام رضا(ع))



روایتی در س آموز از پیشوای هشتم(ع)

چرا امام رضا(ع) برادرش را توبیخ کرد؟

در کتاب‌های روایی شیعه، حدیثی از امام رضا(ع) وجود دارد که توسط «حَسَنُ بْنُ مُوسَى بْنِ عَلِيٍّ الْوُشَاءُ الْبَغْدَادِي» نقل شده؛ حدیثی مربوط به حاشیه یکی از جلسات امام(ع) در مرو و توبیخ شدن زید، برادر آن حضرت از سوی امام رضا(ع). قبل از آن که به بررسی این روایت مهم بپردازیم، بد نیست درباره زید، اطلاعاتی داشته باشیم. او یکی از پسران امام کاظم(ع) بود که به دلیل شدت عمل با عباسیان ساکن بصره و آتش زدن منازل آن‌ها و نیز شرکت در قیام‌های مختلفی مانند قیام «ابوالسرایا»، به «زید النار» شهرت داشت. رفتار و کردار وی مورد تأیید امام رضا(ع) نبود. زید را بعد از قیام «ابوالسرایا» در جنوب عراق امروزی، بازداشت کردند و به مرو فرستادند. به دلیل این که زید برادر امام رضا(ع) بود، مأمون دستور داد به وی آسیب نرسانند. (۱) با این حال، ظاهر او دست از روش خود برنداشت و به اقدامات خودسرانه‌اش ادامه داد.

■ پاسخ امام(ع) به ادعای زید

در یکی از روزها، هنگامی که امام رضا(ع) در حال تدریس بود و جمع زیادی گرد آن حضرت حلقه زده بودند، زید نیز در گوشه‌ای از مسجد برای خودش شکلی داده بود و سخن می‌گفت. وی در میان صحبت‌هایش با اشاره به جایگاه والای اهل بیت(ع) نزد خداوند، شروع به فخر فروشی کرد و مدعی شد که آن جایگاه والا، او و همه افراد منتسب به خاندان را شامل می‌شود و ظاهراً در بیان این موضوع، زیاده‌روی و ادعا کرد که همه منتسبان به اهل بیت(ع) به بهشت خواهند رفت. امام رضا(ع)، در س خود را قطع کرد و با عتاب به برادرش فرمود: «ای زید! آیا سخن نقالان کوفه که می‌گویند فاطمه(س) پاکدامنی و عفت خویش را حفظ کرد و به این سبب، خداوند آتش را بر درِیّه او حرام فرمود، تو را مغرور کرده[و گمان برده‌ای که مشمول این وعده خواهی شد؟! سوگند به پروردگار که این حکم جز برای حسن و حسین و فرزندان بلافصل آن حضرت مخصوص نشده است، اما این که پدرت موسی بن جعفر(ع) طاعت خدای می‌کرد، روزها روز می‌گرفت و شب‌ها را به عبادت و نماز می‌گذراند و تو که معصیت و نافرمانی خدای را می‌کنی، در روز رستائیز برابر باشی و جایگاه هر دو شما بهشت باشد، نشان می‌دهد که نزد پروردگار، عزیزتر از پدرت، موسی بن جعفر(ع) هستی[که عمری به هدایت خلق مشغول بود و در آخر شربت شهادت نوشید!] علی بن حسین(ع) فرموده است: برای نیکوکار ما[و ابستگان به خاندان رسالت] دو برابر پاداش و اجر نزد پروردگار است[و در همان حال،] آن که از میان ما طریق معصیت پیش گیرد و بدکار باشد، دو برابر عذاب خواهد شد.»(۲)

پی‌نوشت:

۱- می‌توانید درباره این گزارش اطلاعات بیشتری در کتاب عیون اخبار الرضا(ع) (ج ۱/صص ۵۱۵ و ۵۱۶/ ترجمه: حمیدرضا مستفید و علی‌اکبر غفاری / سال ۱۳۷۲) به دست آورید.

۲- عیون اخبار الرضا(ع)، ج ۲، صص ۵۶۴ و ۵۶۵



نیز پرداخته است؛ این حواشی، گاه اطلاعات دست اولی از تاریخ مشهدالرضا(ع) و حرم رضوی در اختیار پژوهشگران می‌گذارد؛ مثلاً گزارشی از چگونگی تنظیم و برقراری روشنایی روضه‌منوره در قرن چهارم هجری را در اختیار ما می‌گذارد که در جای دیگری نمی‌توان یافت یا درباره یکی از نخستین مؤذنان حرم رضوی، یعنی ابونصر نیشابوری، اطلاعاتی به ما می‌دهد که در جای دیگری نمی‌توانیم پیدا کنیم. افزون بر این‌ها، او گزارش‌هایی از کرامات اتفاق افتاده در حرم رضوی نیز به مخاطب می‌دهد؛ گزارش‌هایی که نشان می‌دهد مانند روزگار ما، علاقه و ارادت به ثامن الحجج(ع) محدود به شیعیان نبود و تقریباً تمام مذاهب اسلامی، به داشتن این ویژگی، موصوف بوده‌اند. جاد را یادآوری کنیم که «عیون اخبار الرضا(ع)»، نخستین تک‌نگاری روایی با موضوع احادیث رضوی نیست و ظاهراً پیش از شیخ صدوق، باصلت هروی با نگارش «وفاة الرضا(ع)» و عبدالعزیز بن یحیی جلودی با نگارش «مناظرات علی بن موسی الرضا(ع)»، به این کار مبادرت ورزیده‌اند، اما جامعیت هیچ کدام از این آثار به پای عیون اخبار الرضا(ع) نمی‌رسد.

